



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

المعنى: لا اله الا الله وحده لا شريك له

# أذكروا نعمت الله عليكم التي جعل فيكم أنبياء

بإذن ربك تبارك يومئذ عيسى ابن مريم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پاسخ یک شبهه

نویسنده:

حسین ابوالحسنی مندر

ناشر چاپی:

مolf

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	پاسخ یک شبهه
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۶	اول : «عَدَمُ الْوِجْدَانِ لَا يَدُلُّ عَلَى عَدَمِ الْوُجُودِ»
۷	دوم : (( ضرورت استقراء تام در هنگام انتساب حکم یا احکامی به اجزاء یک قضیه کلیه ))
۸	سوم : (( آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که نص آن آیات ، ادعای مدعیان شبهه فوق را ابطال می کند ))
۸	در سوره مبارکه کهف ، آیه شریفه هشتاد و سوم :
۸	سوره مبارکه کهف ، آیات شریفه هشتاد و چهار و هشتاد و پنج و هشتاد و ششم :
۱۰	بررسی منطقی :
۱۱	سوره شریفه بقره آیه یازدهم :
۱۱	سوره مبارکه بقره آیه شریفه بیست و هفتم :
۱۲	سوره مبارکه بقره آیه مبارکه سی ام :
۱۲	چهارم : دلیل چهارم احتجاج ذیل است : فطرت پیامبر درونی هر انسان است و این پیامبر از بدو تولد با هر کس همراه است
۱۲	سوره مبارکه روم
۱۳	در آیه شریفه سی ام :
۱۸	سوره مبارکه ابراهیم آیه ۲۴ بیست و چهار :
۱۸	سوره مبارکه مریم آیه دوازدهم :
۲۰	سوره مبارکه اعراف :
۲۱	درباره مرکز

## پاسخ یک شبهه

### مشخصات کتاب

پاسخ یک شبهه

نوع: مقاله

تعداد صفحات: 8

حسین ابوالحسنی منذر

ص: 1

### اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

\* پاسخ یک شبهه!

متن شبهه: اگر رسالت انبیاء حق است چرا انبیاء، تنها در محدوده خاورمیانه و اطراف آن ظهور کرده و به رسالت مبعوث شده اند. آیا طوایف و قبایل و ملل دیگری در زمین (اروپا، آمریکا، آفریقا و...) وجود نداشت؟ پس به چه دلیل نبوت تنها در منطقه بین النهرین (آسیای میانه) ظهور یافته است.

مدعیان این شبهه، غیر و حیانی بودن و غیر واقعی بودن اعتبار رسالت انبیاء بزرگ را قصد می کنند. با مطالعه حقایق دال بر این موضوع، به راحتی می توان تشخیص داد که این شبهه یک مغالطه معنوی بوده و گوینده دچار سوء ظن غلط شده و دیگران را نیز به غلط می اندازد.

\* پاسخ شبهه:

### اول: «عَدَمُ الْوُجُدَانِ لَا يَدُلُّ عَلَى عَدَمِ الْوُجُودِ».

در علم منطق و علوم عقلی (که صحت تمام نظریات و اعتقادات بر تراز آن استوار است) قاعده ای است که به «عدم الوجدان لا يدل علی عدم الوجود» شهرت دارد.

«عَدَمُ الْوُجُدَانِ لَا يَدُلُّ عَلَى عَدَمِ الْوُجُودِ». (یعنی در دسترس نبودن چیزی دلالت بر عدم موجودیت آن چیز نخواهد داشت). بر این اساس، اگر مستندات مبنی بر وجود انبیاء در نقاط غیر خاور میانه (بخوانید غیر بین النهرین) در دسترس ما نباشد. نمی توانیم به غلط حکم کنیم، که تمام انبیاء فقط از محدوده تمدن خاور میانه بوده و خداوند بر سایر مللی که در سایر نقاط زمین زیسته اند پیام آورانی نفرستاده است. و اگر چنین حکمی را قائل شویم خلاف عقل و مسلمات علم منطق است. این علم صحت تصدیقات و تکذیبات ذهنی انسان عاقل را داوری کرده و آراء ذهنی را در ترازوی ریاضیات و معادلات معقول و منطقی برچسب صحیح و ناصحیح می زند.

## دوم : (( ضرورت استقراء تام در هنگام انتساب حکم یا احکامی به اجزاء یک قضیه کلیه ))

برای حکم کردن در مورد تمام اجزاء یک قضیه کلی که موضوعی خاص، جزئی از آن کل محسوب می گردد باید استقراء تام کرد. (نه ناقص) و شرط قبول و صحت حکم در مورد تمامی اجزاء آن موضوع، صحت استقراء تام و کامل است و استقراء ناقص به هیچ وجه صحیح نبوده و دلیل به شمار نرفته و باطل است. یعنی اگر در مورد موضوعی کلی اظهار نظر کنیم که آن موضوع یک مجموعه کلی و دارای اجزاء است، باید، عدد به عدد به سراغ تمامی اجزاء آن موضوع رفته و با مطالعه دقیق و بدون استثناء، تمامی اجزاء، صحت آن حکم را در زمان و مکان وقوع حکم در مورد تمام اجزاء آن قضیه کلیه مورد استقراء و بازدید و تحقیق کامل و تام قرار داد. بر این اساس هیچ کدام از کسانی که در مورد عدم وجود انبیاء در غیر خاور میانه اظهار نظر و حکم می کنند، نمی توانند ادعا کنند که ما در طول تاریخ خلقت انسان زنده بوده و تمام اماکن زندگی بشر را جزء به جزء استقراء تام و کامل کرده و مورد بررسی و مطالعه و تحقیق قرار داده ایم و مستندات یافته ایم که فی المثل ثابت می کند که هیچ پیامبری در سایر ممالک زمین، غیر از خاور میانه نبوده است و به موجب این استقراء تام حکمی در مورد ابطال حقانیت انبیائی دهند که در محدوده خاور میانه به رسالت مبعوث شده و مدعی شوند که ادیان آنان کلی و فراگیر نبوده است و سپس خدایی ناکرده

نبوت آنان را یک امر موهوم ذهنی و نه توحیدی به شمار برند. مدعیان این شبهه حکمی کرده اند که مشروعیت عقلی و منطقی آن حکم، بر این اساس که استقراء تام ندارد، ناقص است و خلاف مبانی و آراء عقل به شمار می رود. لذا امری که خلاف عقل و منطق باشد، باطل و مغالطه بوده و پذیرفتنی نیست. و از نظر ذهنی، خود و دیگران را به انحراف انداخته اند.

### **سوم: (( آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که نصّ آن آیات، ادعای مدعیان شبهه فوق را ابطال می کند ))**

مدعیان شبهه فوق نسبتی را به خداوند می دهند که کلام خداوند کریم، آن را به طور واضح و بدیهی انکار می کند و عقل و منطق، انتساب نسبتی که کسی، با رفتار، کلام، گفتار، واکنش و عکس العملی از خود نفی می کند را به آن فرد خلاف عقل و عرف می شمرد. بر این اساس، آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که نصّ آن آیات، به طور بدیهی و مسلم، ادعای مدعیان شبهه فوق را ابطال می کند این آیات بسیار فراوانند و تنها به چند مورد در حد اثبات ادعای خود اکتفا می کنیم:

آیات شریفه ای در قرآن کریم است که به ذوالقرنین علیه السلام اشاره کرده و او را از کسانی می داند که به صورت وحی یا الهامات رحمانیه صادقه با خداوند متعال در ارتباط است

این آیات شریفه به سیر و سفر ذوالقرنین به نقاط مختلف زمین اشاره می کند و خود دال بر حضور ذوالقرنین در ممالک و شهرها و ایالات مختلف زمین است و با این استدلال که این سفرها به امر خداوند متعال به ذوالقرنین صورت گرفته، خود یکی از مستندات ما برای ابطال شبهه فوق است که مدعی باطل عدم حضور انبیاء (علی نبینا و آله و علیهم السلام) در تقاطعی غیر از محدوده خاور میانه اند و این آیات خود انکار این ادعای پوچ و واهی است. ضمن اینکه وقتی شبهه فوق با این آیات، باطل باشد، قطعاً میتوان ادعا کرد که انبیاء عظام دیگری نیز بر اساس همین توجه و اراده الهی، تمام ملل بشر را در سراسر زمین مورد لطف و عنایت و تذکر و تعلیم قرار می داده اند.

الف: آیات مبارکه در مورد ذی القرنین است که قرآن کریم به حضور ذی القرنین به عنوان نبی خداوند در تمام شرق و غرب عالم اشاره کرده و در قرآن صریحاً می فرماید: خداوند متعال دستورات و تعلیماتی برای نجات و خدمت به اقوام مختلف بشر در نقاط مختلف زمین (حتی برای برخی اقوام کم خرد) به او ابلاغ فرموده است.

### **در سوره مبارکه کهف، آیه شریفه هشتاد و سوم:**

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا

و از تو ای پیامبر درباره ذوالقرنین می پرسند. بگو: به زودی درباره او از قرآن برای شما خواهیم خواند.

### **سوره مبارکه کهف، آیات شریفه هشتاد و چهار و هشتاد و پنجم و هشتاد و ششم:**

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا

فَاتَّبَعْنَا سَبَبًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا.

ما به او برای حکومت در زمین توانایی بخشیدیم و از هر چیزی که او را به اهدافش برساند وسیله ای به او عطا کردیم. پس برای او وسیله ای



فراهم کردیم و سپس به راه افتاد، تا وقتی که به غروبگاه خورشید، آخرین معموره های مغرب زمین رسید، از ساحل دریا چنین یافت که گویی خورشید در دریایی سیاه و گِل آلود فرو می رود، و در کنار دریا قومی را یافت و آنان را تحت سلطه خود درآورد. گفتیم: ای ذوالقرنین، با آنان چه خواهی کرد؟ آیا آنان را کیفر می دهی یا در میانشان به نیکی رفتار می کنی؟

ص:2

آیات فوق اشاره به حضور ذوالقرنین در غربی ترین نقاط زمین ( مغرب الشمس ) دارد و آیات ذیل نیز اشاره به حضور ذوالقرنین در شرقی ترین نقاط زمین ( مطلع الشمس ) دارد . این آیات شریفه صریحاً حضور انبیاء عظام در نقاط مختلف زمین را تایید نموده و متضاد با ادعای مدعیان شبهه فوق است :

آیات شریفه هشتاد و نه ، و نود سوره مبارکه کهف :

ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطَّلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُم مِّنْ دُونِهَا سِتْرًا كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا

سپس وسیله دیگری برای حرکت به سوی مشرق فراهم نمود. و به راه افتاد، تا وقتی که به جایگاه برآمدن خورشید رسید، خورشید را یافت که بر مردمی طلوع می کند که برای آنان در برابر تابش آن پوششی قرار نداده بودیم. ذوالقرنین این گونه عمل می کرد، در حالی که ما به آنچه در اختیار داشت و به آنچه بر او می گذشت به خوبی آگاه بودیم و با هدایت ما اهداف خود را پیش می برد.

ب : سند دوم ادعای ما در انکار شبهه فوق ، کثرت آیات شریفه قرآن در هنگام ذکر مکان ترویج نبوت و رسالت انبیاء بزرگوار است . حتی اگر مقدار بسیار کمی از ادبیات عرب بدانیم با مشاهده آیات ذیل خواهیم دانست که کلمه ارض ( زمین ) به عنوان اسم مکان عام ( اسم جنس مونث )، کاربرد دارد و قرآن کریم هرگاه سخن از نبوت انبیاء و رسالت برخی از آن بزرگواران می کند ، مکان انتخاب شده در اجرای اراده خداوند را با یک اسم مکان عام که همان زمین است مورد توجه و توضیح قرار می دهد . چرا که مکان ترویج رسالت کل زمین بوده و منحصر در یک نقطه مشخص نبوده است .

بنگرید معانی زمین در لغت نامه ها را :

ارض [عمومی] ارض : خاک ، زمین ، سطح زمین ، کره زمین ، دنیای فانی ، سکنه زمین ، میدان ، اساس ، پایه ، بنا کردن ، برپا کردن ، ، ، ، ، زمین نشستن ، اساسی ، ، خشکی ، سرزمین ، دیار ، به خشکی آمدن ، ، رسیدن ، خطه ، ملک ، کشور ، قلمرو ( المعنی )

### بررسی منطقی :

اسم جنس در علم منطق یکی از کلیات خمس است ، به معنی مفهومی کلی است که عام تر از ذات افراد خود است. مثال مشهور آن مفهوم جنس حیوان است که اعم از نوع انسان یا نوع اسب است.

از نظر عقل ، کلمه ارض یک اسم جنس عام و مونث به شمار می رود . کلمه ارض یک مفهوم کلی بوده که انواع اراضی خاص مثل اراضی اروپا ، آسیا ، آفریقا و آمریکا از مفاهیم جزئی و منسوب به آن به شمار خواهد رفت پس ارض یک مفهوم کلی و اسم جنس برای تمام نقاط زمین است لذا قرآن کریم هرگاه در مورد مکان ترویج وحدانیت حق متعال و تبلیغ نبوت و رسالت سخن می گوید بجای استفاده از اسم خاص از اسم جنس عام ( ارض ) استفاده نموده است و این کاشف توجه خدای متعال به عمومیت ابلاغ دین به صورت عام در تمام نقاط زمین است .

این در حالی است که در برخی آیات مصداقاً مکان خاصی را به دلایل و شواهد و قرائن خاصی ذکر فرموده است ، مثل کعبه مبارکه در شهر مقدس مکه ، که این موارد به شرف محل مربوط است ، نه به توضیح اسم مکان انحصار رسالت و نبوت .

بر این اساس به آیات مربوط به محدوده ماموریت و تجلی رسالت انبیاء اولوالعزم و رفت و آمد سایر ایشان که تمام نقاط زمین است و نه قسمت خاصی از آن اشاره میکنیم . بنگرید اشاره قرآن کریم به واژه عام و اسم مکان عام (( الارض )) :

### **سوره شریفه بقره آیه یازدهم :**

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ

و چون به آنان گفته شود: در زمین فساد نکنید، گویند: جز این نیست که ما اصلاح‌گریم.

### **سوره مبارکه بقره آیه شریفه بیست و هفتم :**

الَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

ص:3

فاسقان کسانی اند که عهدشان را که با خدا پس از آن که بر آن پیمانی استوار بسته اند می شکنند و آنچه را خداوند به پیوستن آن فرمان داده است می گسلند، و با انجام کارهای ناشایسته، در زمین تباهی به بار می آورند. آنانند زیانکاران.

از متن آیه شریفه فوق به راحتی مشهود است که به اقوام تمام زمین و نه نقطه ای خاص، پیامبرانی رفته و تعلیمات و معجزاتی بر آنان متظاهر شده و سپس از ایشان، میثاق گرفته شده است و این دال بر وجود پیامبران در تمام نقاط و اقوام و ممالک زمین است و الا به نقاط خاص اشاره می شد و تعبیر عام و کلمه ((الارض)) استفاده نمی شد.

و نیز بر همین شاهد مثال میتوان به آیات شریفه ذیل اشاره نمود:

### سوره مبارکه بقره آیه مبارکه سی ام :

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

و آن گاه بر آدمیان نعمت ارزانی شد که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی قرار خواهم داد. فرشتگان چون می دانستند که موجودی که در زمین زندگی می کند روی به تبهکاری می آورد، گفتند: آیا در زمین کسانی را می گماری که در آن فساد می کنند و خون ها می ریزند، در حالی که ما همراه با ستایش تو، تو را تسبیح می گوئیم و تقدیس می کنیم؟ گفت: من چیزهایی می دانم که شما نمی دانید.

اگر در نرم افزار های موجود که جستجوی کلمات و عبارات و آیات قرآن کریم را به راحتی میسر می کند تتبع و استقراء تام کنیم، خواهیم دید که بیش از چهل و دو مورد از کلمه اسم مکان عام (اسم جنس) برای توضیح مکان و محل انتشار دین خدا و اجرای ماموریت انبیاء استفاده شده است.

### چهارم: دلیل چهارم احتجاج ذیل است : فطرت پیامبر درونی هر انسان است و این پیامبر از بدو تولد با هر کسی همراه است

حتی اگر در فرض مُحال، ادعای اختصاص انبیاء به قاره و کشور و محل خاصی صحیح باشد که ابدا صحیح نیست و محال به شمار می رود، باز هم خدشه ای به حقانیت خداوند و انبیاء عظام و دین و شریعت و شرایع و قوانین پاکش وارد نمی آید، چرا که هر انسان یا جنّی که خلق می شود دارای یک پیامبر راستگو و صادق درونی است که فطرت نام دارد و او را به سوی خیر هدایت می کند. و فطرت و هادی و رسول و پیام آور درونی انس و جن برای هدایت و نجات او از آلودگیها و اوهام و تاریکی ها و جهالت ها کفایت می کند و قرآن کریم بارها و بارها از فطرت نام برده و به این پیامبر اختصاصی انس و جن که از پیامبر برونی به ما نزدیک تر است اشاره فرموده است:

### سوره مبارکه روم

در آیه بیست و نهم می فرماید:

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

ولی مشرکان باورهایشان را براساس علم و خرد استوار نساخته اند، بلکه این ستمکاران از هواهای نفسانی خود پیروی کرده اند. پس کسانی را که خداوند به خاطر ستم هایشان به گمراهی افکنده است چه کسی هدایت می کند؟ آنان هدایت کننده ای ندارند و یاورانی نخواهند داشت که آنان را یاری دهند و نجاتشان بخشند.

**در آیه شریفه سی ام :**

ص: 4

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

حال که روشن شد آفرینش و تدبیر در اختیار خداوند است و او هیچ گونه شریکی ندارد و کسانی که از وی روی گردانده اند در قیامت راه نجاتی ندارند، پس روی خود را به سوی این دین [ تسلیم خدا بودن ] بگردان و بی آن که به راست یا چپ گرایش یابی، تنها به آن چشم بدوز. بر این دین پایدار باش؛ دینی که فطرت خدادادیت تو را به آن گرایش می دهد؛ همان فطرتی که خداوند همه انسان ها را بر آن آفریده است. آفرینش خدا دگرگونی ندارد و با اختلاف افراد و اختلاف زمان ها و مکان ها، تغییر و تبدیل نمی پذیرد. این است دین استوار ولی بیشتر مردم نمی دانند.

پس خداوند با قرار دادن عقل و فطرت پاک، که انسان را از بدی نهی و به نیکی امر فرموده، حجت خویش را حتی بی هیچ پیامبری بر مخلوقاتش تمام نموده بود. عاقل می داند که کار زشت و زشت خوئی بد است و نیکی و نیک سرشتی زیباست.

حُسن و قُبْح عقلی حجتی بزرگتر از تمام حجت هاست که فطرت انسان بر این سرشت و خوی دامن زده است، بعبارتی اقوام مختلف در زمین بر اساس همین عقل و فطرت محکوم به انجام وظیفه و محکوم به دریافت پاداش و عذاب اند و ضرورتاً در برابر خداوند بدون دسترسی به پیامبر خویش راه فرار از واقعیات و حقایق ثواب و عقاب ندارند، بلکه ضرورت وجود انبیاء عظام به تکامل و کمال تام و اوج تعلیم و تذکر معرفت الله و هشدار به عدم انحراف از صراط المستقیم است. که این گوهر های هدایت چراغ های روشن تاریکی های جهل انس و جن به شمار رفته و کشتی ها و سفینه های نجات جمع فرزندان آدم اند پس خداوند حکیم و مهربان، مقام تذکر و انذار و تعلیم و تربیت را از دو منبع پیامبر داخلی ( فطرت پاک ) و پیامبران خارجی ( انبیاء مرسل ) به سوی قلب ها روانه کرده است و اگر پیامبران خارجی در دسترس نبودند، انس و جن از پیامبر داخلی برای محافظت بشر از افتادن به پرتگاه کفر و عناد بی نصیب نمانده است. ( هر چند ضرورت وجود پیامبران بیرونی برای تکامل هدایت نیز امری حکیم و حقیقتی ضروری و غیر قابل چشم پوشی است ).

آری، هر انسان عاقلی می داند که قتل و غارت و جنایت و تکبر و فحشاء و فسق و فجور و ظلم و دزدی و ربا خواری و کثیفی و بی طهارتی و شرک و کفر و چه و چه، خسارت بار و زشت خوئی بوده و باید ترک کرد و عبادت و ادب و نزاکت و پاکیزگی و خیر اندیشی و مهربانی و یکتا پرستی و کار و تلاش و کوشش و علم و هنر و ادب و تواضع و وفای بعهده و سپاس گذاری و شکر آوری در برابر لطف دیگران نیک خوئی بوده و باید به آن عمل کرد. این همان مضامین حُسن و قُبْح عقلی است که فطرت انس و جن بر او آموخته و از درون به سوی منبع فیض لایزال هستی یعنی خداوند هدایتش می کند. پس هر که از فیض پیامبر عظام بیرونی محروم شود حجتی بر خداوند ندارد چرا که پیامبر عظام درونی یعنی فطرت او واسطه فیض او از حضرت حق است و به همین دلیل ثواب و عذاب خواهد داشت و تشویق و مجازات خواهد شد. و خداوند عالی مرتبت نیز زشت و زیبای اعمالشان را برای روز محاکمه و محاسبه ثبت و ضبط می کند.

بر همین اساس خداوند متعال در آیه شریفه شصت و یکم در سوره یونس می فرماید :

وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْرُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

در هیچ حال ( و اندیشه ای ) نیستی، و هیچ قسمتی از قرآن را تلاوت نمی کنی، و هیچ عملی را انجام نمی دهی، مگر اینکه ما گواه بر شما هستیم در آن هنگام که وارد آن می شوید! و هیچ چیز در زمین و آسمان، از پروردگار تو مخفی نمی ماند حتی به اندازه سنگینی ذره ای، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر، مگر اینکه ( همه آنها ) در کتاب آشکار ( و لوح محفوظ علم خداوند ) ثبت است!

پنجم : استعداد نبوت، متاعی نیست که در هر بازاری یافت شود

ص: 5

اصولاً انتخاب هر چیزی را نمادها و آیین و دلایل و موجباتی لازم است برای مثال وقتی شما به عنوان انسان عاقلی قصد نوشیدن آب می کنید، قبل از شرب آب، آب گوارا و تمیز و ظرف پاکیزه ای را انتخاب می کنید که از هر گونه پلیدی و پلشتی عاری و پاک است. (پلشت در فرهنگ فارسی عمید واژه ای مترادف چرک آلود؛ پلید؛ آلوده؛ چرکین است)----(پلشت در لغت نامه دهخدا= پلشت . آلوده . ناپاک . پلید. (اویهی). فرخج . فزه . (لغت نامه اسدی نسخه نخجوانی). فژاکن . فژاک . (لغت نامه اسدی). شوخگن . چرک . چرکین . مردار و نکبتی را گویند. (برهان قاطع)

حال چگونه است که برخی شبهه افکنان، حق انتخاب رسول از جانب خداوند سبوح و قدّوس را

، حتی به اندازه یک مخلوق عاقل، صاحب اختیار در هنگامه انتخاب نبی و رسول و پیامبر خویش به جهت رعایت طهارت و عاری بودن از پلشتی و آلودگی را از او سلب می کنند؟

آری ربّ متعال جلّ و عزّ نیز در هنگام انتخاب و بعثت انبیاء و رسولان و پیام آوران خویش، ملاحظاتی دارد که حتی در بسیاری از آن ملاحظات، عقل با کمال جنّ و انس نیز از مرتبت آن وامانده و به آن حقایق آمیخته به اسرار غیب نا آگاه است و دست یابی به برخی از آن اسرار حتی تا قیام قیامت نیز میسر نخواهد شد. در این قسمت با کمی قند پارسی از کارنامه هنر و شعر و ادب، کام خویش به زیور طرائف شعرای نام دار شیرین می سازیم .

هم عیب را به عامل اشرا پرده پوش

هم غیب را ز عالم اسرار ترجمان .

خاقانی .

نامبردار شرق و غرب تویی

که حدیثت چو غیب مرموز است .

خاقانی .

یا بدرافکن هنر از غیب خویش

یا بشکن آینه از عیب خویش .

نظامی .

دل آینه صورت غیب است ولیکن

شرط است که بر آینه زنگار نباشد.

سعدی (طیبات).



تیرها پران کمان پنهان و غیب

بر جوانی میرسد صد تیر شیب .

رومی بلخی مشهور به مولوی (مثنوی).

ساقیاجام میم ده که نگارنده غیب

نیست معلوم که در پرده اسرار چه کرد؟

حافظ.

مدعی خواست که آید به تماشاگاه راز

دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد.

حافظ.

هر ملت و قوم و طایفه و ایل و تباری لیاقت و استعداد و مرتبت و جایگاه و طهارت و پاکیزگی لازم برای وساطت فیض قدس حق لایزال را نداشته و تنها افراد نادر و کمیابی از فرزندان بنی آدم به این مقام قرب و معرفت و رسالت نیل خواهند یافت . طبیعی است که بر تمام اقوام و ملل رسول و نماینده و حجت و پیام آورری از جانب حق متعال فرستاده شود اما این رسول

ص: 6

لزوما نباید از خود آنها باشد. بلکه اگر استعداد رسالت در آن قوم بود، انتخاب نیز از آنها بوده و اگر این استعداد خاص در فردی از آن گروه نباشد، چاره ای جز انتخاب فرد مستعدی از گروه دیگر نخواهد بود.

این همان مهمی است که سبب شد بیشتر انبیاء عظام اولوالعزم و غیر اولوالعزم از منطقه بین النهرین که مرکز آن در آسیای میانه و کشور عراق و همسایگانش (اصطلاحاً خاور میانه که استعمار انگلیس در دهه های اخیر آن را به مقاصد شوم استعماری خویش خاور میانه نام نهاده است) ظهور کرده اند. در این منطقه استعداد واحد پرستی و گرایشات توحیدی و مقابله و ستیز با کفر و شرک و عناد از تمام مناطق و ایالات و اماکن و محلات زمین گسترده تر بوده و لذا موحدان ابراهیمی این منطقه بالاترین استعداد در طهارت و شرافت و امانت و وثاقت و خرد و فهم عزت ربوبیت و ذلت عبودیت را به صورت طعمی شیرین از غسل شیرین تسلیم در برابر حق متعال چشیده اند. به همین اساس از هیچ کدام از انبیای انتخاب شده پلشتی و زشتی و تاریکی روحانی دیده نشده و بالعکس کاملاً مطهر و طیب و پاکدامن و راستگو بوده اند.

تصور کنید قومی را که زنای محسنه و بی عفتی در آن ها از آیین روزمره بشمار می رود. که شبیه به آن هم در ادوار قرون انسان بوده و هم، اکنون نیز وجود دارد. آیا خداوند متعال که ذات او از هر پلیدی و زشتی و نقص و بدی، سبوحیت و سبحانیت دارد، می توانست در بین فرزندان نامشروع این قوم حتی یک مورد را برای نبوت یا رسالت انتخاب نماید؟ آیا اگر خدایی ناکرده چنین بود! ترازوی سبحانیت حق لایزال با داشتن پیامبری چنین پلشت، نفی و انکار نمی شد. فسبحانه رب العزه عما یصفون

موارد دیگر نیز وجود دارد که یکی از آنان علو مقام موحدین منطقه بین النهرین نسبت به غیر آن است که با توجه به این علو، رسالت موروثی نیز به آنان شایسته تر و براننده از غیر آنان است. و فرزندان ابراهیم این علو و مقام کلمه طیبه یعنی رسالت را تا پیامبر ختمی مرتبت در روح مطهر خود به تقدیر کشیده اند و این همان معنی شجره طیبه است.

قرآن کریم به همین موضوع اشاره داشته و می فرماید:

### سوره مبارکه ابراهیم آیه 24 بیست و چهار:

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ

آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟!

و عجیب تر اینکه ابلیس نیز این مهم را فهمیده و فرزندان شیاطین خود و حمزات خود را در همین منطقه سکنی داده است و تلخ ترین وقایع تاریخی، همچون حادثه خونبار قیام امام حسین علیه السلام را در وقایع تاریخی همین منطقه از زمین مشاهده می کنیم، و قبل از آن بریدن سر یحیای نبی را که قرآن کریم به جایگاه این پیامبر بزرگ اشاره فرموده است:

### سوره مبارکه مریم آیه دوازدهم:

يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا

(چون زکریا ذکر تسبیح و نماز کرد ما به او یحیی را عطا کردیم و چون سه ساله شد به وی خطاب کردیم که) ای یحیی، تو کتاب آسمانی ما را به قوت (نبوت) فراگیر، و به او در همان سن کودکی مقام نبوت بخشیدیم.

آری! نبوت بازیچه نیست که هر قوم نالایقی در هر نقطه از زمین شایسته دریافت اسرار بزرگ آن از جانب خداوند متعال باشند و بتوانیم بر این اساس باطل، انتقاد کنیم که چرا انبیاء بیشتر از منطقه بین النهرین اند تا مناطق دیگر زمین .

(قابل ذکر است که ذوالقرنین و انبیاء دیگر نیز از همین محدوده انتخاب شده و در تمام زمین کلمه خداوند را نشر می دادند. برخی از فقها ی بزرگ ذوالقرنین را از عباد صالح خداوند می دانستند که شایسته الهام رحمانی یا وحی بوده است و او را نبی یا رسول تلقی نکرده اند . این موضوع ابدا ناقض اصل بحث نبوده و گستره ماموریت توحیدی شرق تا غرب زمین که به ذوالقرنین علیه السلام داده شده است نیز، دلیل محکمی بر ابطال شبهه فوق است ) .

در پایان به این آیه شریفه متذکر می شویم

ص: 7

## سوره مبارکه اعراف :

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّآ لَنرَاكَ فِى سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَننظُنُّكَ مِنَ الْكَٰذِبِينَ

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بى سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّى رَسُوْلٌ مِّنْ رَبِّ الْعٰلَمِينَ

اشراف و سران قوم عاد که کافر بودند به پیامبرشان هود علیه السلام گفتند: ما تو را در سبک مغزی و نادانی می بینیم و تو را از دروغگویان می پنداریم! هود در پاسخ گفت: ای قوم من! در من هیچ سبک مغزی و نادانی نیست، بلکه من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم.

هر چند بررسی عنوان فوق در منابع اسلامی دارای محتوای بسیار گسترده است . اما این مختصر به قدر کفایت بطلان شبهه مذکور را اثبات می کند. ان شا الله .

و لا یزید الظالمین الا خسارا

محقق علوم اهل البیت علیهم السلام

حسین ابوالحسنی

ص: 8

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

